

# ایران و طرح امنیتی روسیه در خلیج فارس؛

## فرصت‌ها و چالش‌ها

شعبان بهمن<sup>۱</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۲، پیاپی ۷۸، تابستان ۱۳۹۸؛ صفحات ۹۵-۷۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰

### چکیده

رونمایی از طرح امنیتی روسیه برای خلیج فارس موسوم به «مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس»، پرسش‌هایی درباره شیوه نقش‌آفرینی مسکو در تحولات آینده، چشم‌انداز تنش‌های موجود در خلیج فارس و دورنمای همکاری‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای بوجود آمده است. با توجه به آنکه ارائه هر طرحی از سوی کشورهای مختلف برای ایجاد ساز و کار امنیتی در خلیج فارس دارای ارتباط مستقیم با امنیت ملی ایران است و طرح روسیه نیز از چنین امری مستثنی نیست، نوشتار حاضر در صدد بررسی طرح امنیتی مسکو برای منطقه خلیج فارس و فرصت‌های و چالش‌های ناشی از آن برای ایران است. از این رو در نوشتار حاضر سعی شده ضمن بررسی چالش‌های موجود در خلیج فارس، به بررسی طرح امنیتی روسیه پرداخته شود و فرصت‌ها و چالش‌های آن برای ایران مورد واکاوی قرار گیرد.

### واژگان کلیدی

ایران، روسیه، خلیج فارس، امنیت، نظام امنیت جمعی، امنیت درون‌زا

۱. دکتری علوم سیاسی، پژوهشگر مسائل بین‌الملل shuaibbahman@gmail.com



## مقدمه

منطقه خلیج فارس با دارا بودن منابع غنی انرژی و موقعیت راهبردی، نه تنها یکی از مهم ترین مناطق جهان به شمار می آید، بلکه یکی از آسیب پذیرترین نقاط نیز محسوب می شود. تعداد جنگ ها، درگیری های ارضی و مرزی و نزاع های قومی و قبیله ای در این منطقه گواه آسیب پذیری آن در طول تاریخ است. علاوه بر این، نزدیکی به روسیه، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، شبه قاره هند، آفریقا و جهان عرب، موقعیتی آمیخته با حساسیت های کشمکش زا را برای خلیج فارس فراهم آورده است. این در حالی است که منطقه خلیج فارس در کلیه فعالیت ها، جهت گیری ها و کارکردهای جهانی شدن و همچنین در کشمکش بر سر ترسیم تصویر نهایی نقشه ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک معاصر اهمیت ویژه ای دارد. به همین دلیل این منطقه بیش از مناطق دیگر در معرض سلطه جویی و دخالت های بیگانگان قرار گرفته است. به نحوی که از دیرباز تاکنون، همواره قدرت های بزرگ چشم طمع به این آبراهه بین المللی دوخته اند.

مسائل فوق باعث شده که خلیج فارس در قرن اخیر یکی از مهم ترین و حساس ترین مناطق جهان در نگرش های ژئوپولیتیک و محاسبات استراتژیک محسوب گردد. این امر با در نظر گرفتن قدرت های خارجی و کشورهای منطقه و منافع متضاد و ناسازگار آنها با یکدیگر موجب شده که بر پیچیدگی های امنیت در خلیج فارس افزوده شود. در این بین رونمایی از طرح روسیه برای خلیج فارس که با حضور نمایندگانی از کشورهای منطقه خلیج فارس از جمله ایران، کشورهای عربی، اتحادیه عرب و پنج عضو دائمی شورای امنیت در جولای ۲۰۱۹ صورت گرفت، بحث های زیادی را در خصوص اهداف مسکو در منطقه پدید آورده است. این بحث ها هنگامی تشدید شد که مسکو طی سندی رسمی، «مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس»<sup>۱</sup> را به شورای امنیت سازمان ملل و مجمع

۱. Concept of collective security in the Persian Gulf (Концепция коллективной безопасности в Персидском заливе)

عمومی ارائه و آمادگی خود برای همکاری در این زمینه را ابراز کرد. با توجه به اهمیت این اقدام روسیه، پرسش‌هایی درباره شیوه نقش‌آفرینی مسکو در تحولات آینده، چشم‌انداز تنش‌های موجود در خلیج فارس و دورنمای همکاری‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای به وجود آمده است.

از این رو نوشتار حاضر در صدد بررسی طرح امنیتی روسیه در قبال خلیج فارس و فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از آن برای ایران است. به این منظور در وهله نخست، چالش‌های امنیتی در خلیج فارس مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. پس از آن طرح روسیه و ابعاد مختلف آن مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در نهایت، به فرصت‌ها و تهدیدهای این طرح برای ایران اشاره خواهد شد.

### چالش‌های امنیتی در خلیج فارس

خلیج فارس نه تنها به عنوان قلب انرژی جهان مورد توجه همه کشورها می‌باشد، بلکه عموماً بحران‌ها و مسائل مختلفی که در این منطقه جریان دارند نیز همواره خبرساز بوده و توجه دولت‌ها و ملت‌ها را به خود جلب کرده است. شرایط داخلی در خلیج فارس به گونه‌ای است که زمینه هر گونه همکاری دوجانبه و چند جانبه میان کشورهای منطقه را از میان برده و این کشورها را برای کسب امنیت متوجه خارج کرده است. در واقع وجود جو بی‌اعتمادی میان کشورها و عدم تمایل به پیمان‌های منطقه‌ای جامع، زمینه همکاری دوجانبه و یا چندجانبه میان دولت‌های منطقه را از بین برده است و به همین دلیل نیز برخی از کشورهای خلیج فارس برای دستیابی به اهداف، منافع و امنیت ملی خود، به قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای متوسل شده‌اند. همچنین برخی از کشورهای منطقه تحت تبلیغات و فضاسازی‌های کشورهای فرامنطقه‌ای، وارد یک رقابت تسلیحاتی با یکدیگر شده‌اند. از این رو می‌توان حضور بازیگران خارجی، وقوع مسابقه تسلیحاتی و فقدان یک ساز و کار درون منطقه‌ای در حوزه امنیت را از جمله چالش‌های خلیج فارس به حساب آورد.



### الف) حضور قدرت‌های خارجی

اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس بخصوص از جهات استراتژیکی، اقتصادی و ارتباطی، عمده‌ترین دلیل حرکت ابرقدرت‌ها به سوی این منطقه از جهان بوده است. در گذشته مقاصد استعماری و سودهای حاصل از مبادلات تجاری، قدرت‌های بزرگ را به منطقه می‌کشاند. به نحوی که بریتانیایی‌ها، پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و... در طول تاریخ به خلیج فارس چشم دوخته بودند. در دوران معاصر نیز کشف منابع غنی انرژی در منطقه، محور جدیدی برای شکل‌گیری رقابت میان قدرت‌های بزرگ ایجاد کرد. در دوران جنگ سرد، خلیج فارس به دلیل موقعیت استراتژیک خود، قرار داشتن در جوار مرزهای شوروی و برخورداری از منابع سرشار نفت، همواره مورد توجه ابرقدرت‌ها بود و حضور یکی از آنها تهدیدی علیه منافع حیاتی ابرقدرت دیگر تلقی می‌شد. در عصر پسا شوروی نیز منطقه خلیج فارس برای ابرقدرت‌ها به خصوص آمریکا از اهمیت شایانی برخوردار شد. به نحوی که هرگونه تهدید علیه امنیت آن حتی از جانب قدرت‌های منطقه‌ای، تهدیدی علیه شریان اقتصادی غرب تلقی و بر ضرورت مقابله با آن تأکید شده است. بارزترین نمونه در این خصوص، بحران اشغال کویت و به دنبال آن لشکرکشی آمریکا علیه دولت صدام در عراق بود.

بطور کلی موقعیت مهم ژئواستراتژیک خلیج فارس، این منطقه را در سیاست کشورهای قدرتمند جهان بویژه آمریکا بسیار جذاب کرده است. حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس پس از جنگ دوم خلیج فارس پایدار و دائمی شد و نظامیان این کشور به صورت پراکنده در کشورهای شورای همکاری و همچنین در ناوهای خود در آب‌های خلیج فارس و دریای مکران - اقیانوس هند - مستقر شدند. حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه پس از رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به بهانه مبارزه با تروریسم گسترش قابل توجهی یافت. در واقع وقوع رخداد ۱۱ سپتامبر، شرایط مساعدی را برای تثبیت نقش سلطه‌جویانه و مداخله‌گرایانه

امریکا به بهانه مبارزه با تروریسم در نظام بین‌الملل و منطقه خلیج فارس فراهم ساخت. (۳۰۴ - ۳۰۳: Bahgat, ۲۰۰۸) اگر چه آمریکا دیگر همانند گذشته به خلیج فارس به چشم منبعی برای تأمین انرژی مورد نیاز خود نمی‌نگرد اما همچنان حضور در این منطقه را با انرژی پیوند زده است. زیرا با توجه به نیاز روز افزون کشورها به نفت به‌ویژه صنعتی شدن برخی از کشورهای آسیایی مانند هند و چین و همین‌طور وابستگی اروپای غربی و ژاپن به نفت منطقه، تسلط آمریکا بر خلیج فارس برای کنترل این بازیگران ضروری است. از این رو مسلماً آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین قدرت فرامنطقه‌ای که در خلیج فارس حضور داد، نه به دنبال همکاری، بلکه به دنبال کنترل انحصاری منطقه است.

#### **ب) مسابقه تسلیحاتی و پیامدهای آن**

یکی از موضوعات مهم و استراتژیک که منطقه خلیج فارس در طول سال‌های گذشته با آن مواجه بوده، مسابقه تسلیحاتی است. مسابقه تسلیحاتی نتیجه برتری طلبی و چیره‌خواهی در منطقه است. از دهه ۹۰ تاکنون کشورهای منطقه ده‌ها میلیارد دلار برای ساخت نیروهای مدرن نظامی جهت بازدارندگی و تهدید همسایگان خود هزینه کرده‌اند. در این بین یکی از عناصری که موجب رشد مسابقه تسلیحاتی در منطقه شده، تبلیغ منفی غرب در خصوص ایران و پیشبرد پروژه «ایران‌هراسی» در منطقه بوده است.

در واقع هراس کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از برتری قدرت نظامی ایران باعث شده که آنها در پناه ایالات متحده آمریکا به تجهیز خود پردازند و از اشتیاق بی‌نظیری جهت بهره‌مندی از جدیدترین تسلیحات برخوردار شوند. این روند در شرایطی شدت گرفته که هزینه نظامی ایران بسیار کم‌تر از کشورهای حاشیه خلیج فارس است و تنها تبلیغات منفی آمریکا باعث رواج احساس ناامنی از ناحیه ایران در منطقه شده است. چنانکه آنها در سال‌های گذشته نیز کوشیده‌اند کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را در برابر ایران متحد سازند و با توجه به پیشرفت‌های



ایران در زمینه های نظامی، آنها را وارد مسابقه تسلیحاتی نمایند. از این رو طی چند سال اخیر گفت و گوهایی میان ایالات متحده آمریکا، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و برخی دیگر از کشورهای عربی در مورد تشکیل نیروی نظامی مشترک موسوم به «ناتوی عربی» در جریان بوده است.

براین اساس در شرایطی که از یک سو مبنای سیاست آمریکا در خلیج فارس مبتنی بر ادامه تعهد و تضمین امنیت متحدان و حفظ جریان نفت است و از سوی دیگر، ایران به عنوان کشوری ناسازگار با هژمونی آمریکا، به سرعت در مسیر پیشرفت و توسعه فناوری های گوناگون قرار گرفته، ایجاد مسابقه تسلیحاتی می تواند چند نتیجه مهم را در بر داشته باشد:

نخست آنکه منابع مالی کشورهای منطقه را به نفع شرکت های اسلحه سازی آمریکایی تخلیه می کند. در واقع آمریکا چند برابر پولی را که برای خرید نفت به کشورهای منطقه می پردازد، با فروش تسلیحات از این کشورها باز پس می گیرد و به نوعی نه تنها منابع از دست رفته خود را جبران می کند، بلکه از سودهای سرشاری نیز بهره مند می گردد.

دومین نتیجه به راه افتادن مسابقه تسلیحاتی در منطقه، تثبیت و تداوم حضور نیروهای نظامی آمریکایی در خلیج فارس است. در واقع به بهانه عدم وجود امنیت و حفاظت کشورهای منطقه از تهدیدات موجود، آمریکا می تواند به حضور نیروهای نظامی خود در کشورهای خلیج فارس مشروعیت ببخشد.

سومین پیامد مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس، جلوگیری از شکل گیری هرگونه ترتیبات امنیت منطقه ای با حضور تمام کشورهای ساحلی خلیج فارس است. در طول سال های گذشته، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بیشترین آمار خریدهای تسلیحاتی را به خود اختصاص داده اند. این موضوع از مهم ترین عوامل ناامنی در منطقه است و تا زمانی که این روند متوقف نشود، نه تنها منطقه امن و باثبات نخواهد شد، بلکه به طور فزاینده ناامنی افزایش خواهد یافت.



### ج) فقدان همکاری و همگرایی منطقه‌ای

ناامنی خلیج فارس نه به سود قدرت های بزرگ و نه به سود کشورهای منطقه است. با این حال هیچ نوع ترتیبات امنیتی که بتواند ضامن امنیت این گلوگاه مهم اقتصاد جهانی باشد، هنوز شکل نگرفته است. دلیل اصلی چنین امری را باید در عقب‌ماندگی‌های ساختاری کشورهای منطقه که شامل مسایل فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد، در کنار تغییر در ساختار و روند نظام بین‌المللی در دهه نود که با فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی سابق آغاز شد، جست‌وجو نمود که عملاً به بازیگران بین‌المللی به ویژه ایالات متحده آمریکا فرصت لازم را برای ایفای نقش اصلی در خصوص امنیت و انرژی منطقه داد. علاوه بر این، تلاش برخی از کشورهای منطقه جهت مرزبندی با ایران نیز موجب تضعیف روابط آنها و عدم شکل‌گیری ترتیبات امنیت جمعی در خلیج فارس شد. نمونه چنین امری را می‌توان در شورای همکاری خلیج فارس مشاهده کرد.

در حال حاضر تنها ساز و کاری که جزو ترتیبات منطقه‌ای در خلیج فارس محسوب می‌شود، «شورای همکاری خلیج فارس» است که در ۲۵ می سال ۱۹۸۱ میلادی برای تقویت قدرت اقتصادی و سیاسی کشورهای عرب اطراف خلیج فارس در برابر دیگر کشورهای منطقه تشکیل شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰، رویدادهایی در منطقه خلیج فارس بوقوع پیوست که سبب نگرانی کشورهای کوچک منطقه از لحاظ امنیتی گردید. نگرش تجدیدنظرطلبانه انقلاب اسلامی ایران نسبت به رژیم‌های سیاسی حاکم بر منطقه، تلاش‌های عراق برای احراز نقش رهبری و تهاجم نظامی این کشور به ایران، از جمله مهم‌ترین عوامل گردآمدن سران شش کشور حوزه جنوبی خلیج فارس (امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر و عمان) به منظور ایجاد یک سیستم امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارسی بود.<sup>۱</sup>

۱. از جمله اهداف اساسی شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:  
۱. بررسی تحولات منطقه‌ای و ارزیابی امور سیاسی در حوزه خلیج فارس و خاورمیانه؛





اگر چه در شورای همکاری خلیج فارس قوانینی برای تسهیل تجارت و روابط اقتصادی وضع شده است، با این حال به نظر می‌رسد این شورا با تهدیداتی چون مهاجرت بیش از اندازه کارگران خارجی، اقتصاد تک محصولی نفت و اتکا بیش از حد به فرآورده‌های نفتی، در خطر بودن مشروعیت نظام‌های کشورهای عضو و بالاخره در خطر بودن استقلال آنها، روبرو می‌باشد. (Abootalebi, ۲۰۰۷) از سوی دیگر با توجه به اینکه تشکیل این شورا به منظور جلوگیری از تهدیدات خارجی بوده، ممکن است با رفع یا تقلیل این نگرانی‌ها، اختلافات ریشه دار میان کشورهای عضو، یکبار دیگر سر باز کنند.

بر این اساس تحولات شورای همکاری خلیج فارس طی سال‌های گذشته به گونه‌ای بوده که هر لحظه انتظار می‌رود این مجمع متشکل از کشورهای هم‌رنگ و نه هم‌سو، تعارضات درونی خود را نشان داده و از هم بپاشد. این امر به خصوص با توجه به اختلاف‌نظرهای اعضای شورا چندان هم دور از انتظار نیست. در این خصوص باید به نقش عربستان توجه ویژه‌ای کرد. زیرا عربستان به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، در خلیج فارس نسبت به کشورهای عضو شورای همکاری نقش اصلی و قدرتمندی دارد و نسبت به آنان به عنوان برادر بزرگتر عمل می‌کند. نحوه و طریق تأثیر گذاری عربستان، سازمانی، دینی و مذهبی،

۲. ایجاد قوانین مشابه در حوزه‌های مختلف از قبیل اقتصاد، امور مالی، تجارت، قوانین گمرکی، تورسیم، امور اداری و حقوقی؛
۳. همکاری بیشتر کشورهای عضو در راستای ارتقای علمی و تکنیکی در صنعت، معدن، کشاورزی، منابع آب و حیات وحش؛
۴. تأسیس یک مرکز تحقیقات علمی در منطقه و استفاده از اندیشه‌های اندیشمندان این سرزمین‌ها برای ارتقای کارایی و بازده این مرکز؛
۵. انعقاد قراردادهای مشارکت خاص و اشتراک بین شرکت‌های مختلف این کشورها به منظور افزایش نرخ گردش پول در منطقه؛
۶. وضع قوانینی برای افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد کشورهای عضو؛
۷. ایجاد یک واحد پول مشترک تا سال ۲۰۱۰ میلادی با نام «خلیجی» که در تمام کشورهای عضو مورد استفاده قرار گیرد؛
۸. برقراری رابطه نزدیک‌تر بین مردم کشورهای عضو؛ به نحوی که یکدیگر را دوست خود بدانند و برای ارتقای سطح تجاری خود اولین گزینه را کشور دوست عضو شورا در نظر بگیرند. (Khan, ۲۰۰۹, ۰۵-۱۱)





قدرت مالی و نظامی است. در چارچوب شورای همکاری و از طریق سازمان اوپک و آوپک، به عنوان کانون وهابیت و به عنوان قدرت مالی، پول و ثروت و از طریق قدرت نظامی، بر دیگر واحدهای سیاسی عضو شورای همکاری اعمال قدرت می‌کند. علاوه بر یک‌جانبه‌گرایی‌های عربستان به عنوان برادر بزرگ‌تر که عملاً سایر کشورها را تحت سیطره خود درآورده و شورا را با چالش مواجه کرده، باید به اختلاف نظر شدید میان قطر و عربستان در امور سیاسی و دیپلماتیک، اختلافات ارضی امارات متحده عربی با عربستان بر سر منطقه مرزی و غنی نفتی العدید، ناتوانی در انتشار پول واحد عربی به دلیل تأکید عربستان بر استقرار مقر این بانک در ریاض و پافشاری امارات بر محوریت ابوظبی و مخالفت عمان با پول واحد شورا، اختلافات حکام مجمع‌الجزایر بحرین با قطر بر سر جزایر مرزی، تیرگی در روابط کویت و بحرین و... نیز اشاره کرد که همگی از جمله نمونه‌های اختلاف نظر در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شوند.

در نتیجه به نظر می‌رسد اختلافات عمیق در میان اعضا و همچنین غیبت کشوری مهم نظیر ایران که داری طولانی‌ترین سواحل در خلیج فارس است، عملاً شورای همکاری خلیج فارس را ناکارآمد ساخته است. در واقع بیرون گذاشتن ایران از شورای همکاری خلیج فارس، نه تنها باعث قدرتمندی کشورهای عضو این شورا نشده، بلکه عملاً تا حد زیادی شورا را نیز ناکارآمد ساخته است. از سوی دیگر به‌رغم آنکه کشورهای عضو شورا می‌توانند به گسترش روابط با آمریکا، به مثابه یک گزینه استراتژیک بپردازند، با این حال خوب می‌دانند که چنین امری از سوی ایران همچون یک تهدید جدی نگریسته می‌شود. بنابراین در شرایطی که ایران کشوری مهم در حاشیه خلیج فارس محسوب می‌شود، نه می‌توان آن را خارج از ساز و کارهای منطقه‌ای قرار داد و نه می‌توان به اقداماتی دست زد که عملاً تهدیدی جدی برای این کشور محسوب شود.



## طرح روسیه برای تأمین امنیت در خلیج فارس

طرح ایجاد یک سیستم امنیت جمعی در خلیج فارس، نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ از سوی روسیه مطرح شد. در آن دوره که خطر حمله آمریکا به عراق شدت یافته بود، روس‌ها نتوانستند حمایت کشورهای منطقه را در خصوص این طرح کسب کنند. (Газета "Коммерсантъ", ۲۰۱۹: ۶) یکی از دلایل چنین امری، محدود بودن طرح به ممانعت از حمله نظامی آمریکا به عراق و عدم جامعیت آن بود. این در حالیست که تحولات نظامی و سیاسی سال‌های گذشته در خاورمیانه و شمال آفریقا، رشد سریع تهدیدهای تروریستی در مناطقی که دارای ذخایر غنی از منابع هیدروکربنی هستند و ناامنی در آبراه‌های که یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی به شمار می‌آید، شرایط تقریباً با ثبات در منطقه خلیج فارس را دستخوش دگرگونی کرده است. از این رو تأمین امنیت خلیج فارس به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل جهان در سند «مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس» که از سوی روسیه ارائه شده، مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو بررسی مفاد طرح روسیه، اهداف سلبی و ایجابی مسکو و همچنین واکنش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این طرح حائز اهمیت است.

### الف) مفاد طرح روسیه

براین اساس روسیه پیشنهاد داده که سیستم امنیتی در خلیج فارس باید جهانی، جامع و بر پایه احترام به منافع همه طرف‌های منطقه‌ای و سایر طرف‌های درگیر در تمامی حوزه‌های امنیتی، از جمله نظامی، اقتصادی و انرژی باشد. روسیه اصل احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، عدم دخالت خارجی در امور داخلی این کشورها و حل و فصل اختلافات داخلی براساس قانون اساسی و از طریق گفت‌وگوهای ملی را اصلی مهم در تحقق این طرح دانسته و اعتقاد دارد که چنین رویکردی می‌تواند از یافتن راه‌حل برای مشکلات حاد و فوری آغاز شود و به تدریج به یک سیستم امنیتی ارتقا یابد.

هدف بلندمدت طرح روسی، ایجاد یک «سازمان امنیتی» با مشارکت و همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس است. در این سازمان علاوه بر اینکه تمام کشورهای منطقه باید حضور مستمر داشته باشند، کشورهای دیگر از جمله روسیه، چین، هند، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سایر طرف‌های ذینفع می‌توانند به عنوان اعضای ناظر عمل کنند. روسیه دستیابی به چنین هدفی را ملزم به حل و فصل چند مسئله اساسی در منطقه کرده است:

۱. برداشتن گام‌های اساسی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی؛
۲. حل و فصل بحران‌های موجود در عراق، یمن و سوریه؛
۳. پایبندی همه طرف‌ها به توافقات مربوط به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)
۴. حل و فصل بحران فلسطین و رژیم صهیونیستی به عنوان عامل اصلی در بی‌ثبات شدن خاورمیانه. (Коммерсантъ, ۲۰۱۹)

در راستای ایجاد یک سیستم امنیتی در منطقه خلیج فارس به منظور ایفای نقش کلیدی در تحکیم فعالیت‌های سیاسی و دیپلماتیک در منطقه، روسیه در طرح خود به محورهای مهمی اشاره کرده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. اجرای یک برنامه طولانی مدت به منظور عادی سازی وضعیت، تقویت ثبات و امنیت، حل و فصل اختلافات، شناسایی پیشنهادهای کلیدی و همچنین راه‌های اجرای وظایف مربوطه؛

۲. احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای منطقه؛
۳. عدم استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور برای حل و فصل اختلافات؛
۴. قبول تعهدات متقابل و شفافیت در حوزه نظامی (گفت‌وگو در مورد دکترین‌های نظامی، جلسات منطقه‌ای وزرای دفاع، ایجاد خطوط ویژه، تبادل اعلان‌های اولیه در مورد برگزاری رزمایش‌های نظامی و پرواز هوایی، تبادل ناظران، تبادل اطلاعات در مورد خریدهای تسلیحاتی و نیروهای مسلح)؛
۴. تعهد به حل اختلافات منطقه‌ای و مرزی تنها از طریق گفت‌وگو یا سایر



ابزارهای صلح‌آمیز براساس تعهدات بین‌المللی؛

۵. انعقاد توافق‌نامه‌هایی در راستای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، قاچاق انسان، مواد مخدر و سلاح و جرایم سازمان یافته؛
۶. انجام اقدامات اعتمادساز مشترک کشورهای منطقه با یکدیگر و با سایر کشورها؛
۷. پایبندی همه کشورها به قوانین بین‌المللی به خصوص منشور سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های شورای امنیت. (РИА Новости, ۲۳,۰۷,۲۰۱۹)

### ب) اهداف سلبی و ایجابی روسیه

بخش مهمی از رویکرد روسیه به منطقه خلیج فارس از بلندپروازی‌های مسکو در سیاست‌های جهانی ناشی می‌شود. در طول سال‌های اخیر، روسیه توانسته از حالت تدافعی خود در دهه ۱۹۹۰ خارج شود و در اکثر بحران‌های مهم بین‌المللی همچون بحران سوریه، بحران اوکراین و بحران ونزوئلا، دست برتر را بیابد. اگر چه همه این بحران‌ها را آمریکایی‌ها ایجاد کردند، اما در نهایت این روس‌ها بودند که در رقابتی سخت با آمریکا، مانع اجرای طرح‌ها و اهداف واشنگتن شدند. بنابراین رویارویی با آمریکا و تشدید رقابت‌ها و اختلافات ژئوپلیتیک، نقش مهمی در افزایش توجه مسکو به خلیج فارس دارد. در شرایطی که آمریکا تلاش می‌کند حضور نظامی خود را در منطقه افزایش دهد و در پی تشکیل یک ائتلاف برای برقراری امنیت مد نظر خود در منطقه است، قاعدتاً روسیه نمی‌تواند نسبت به یکی از استراتژیک‌ترین نقاط جهان بی تفاوت باشد. به خصوص که در ذهنیت ژئوپلیتیک‌گرای حاکم بر سیاست خارجی روسیه، ایفای نقش فعال در نقاط ژئوپلیتیک جهان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در نتیجه، هدف سلبی روسیه جلوگیری از افزایش نظامی‌گری آمریکا و ایجاد ائتلاف‌های نظامی جدید در خلیج فارس است. هدف ایجابی نیز تقویت نفوذ خود در یکی از مهم‌ترین نقاط استراتژیک جهان یعنی خلیج فارس و تنگه هرمز

است. در کنار این اهداف عمده، چند محور دیگر نیز برای روسیه اهمیت دارد که در طرح خود به آنها اشاره کرده است:

۱. ایجاد یک خاورمیانه دموکراتیک و موفق با حمایت از صلح و همزیستی میان مذاهب؛
۲. مبارزه با تهدیدات تروریستی از طریق بسیج افکار عمومی مسلمانان و دیگر کشورها؛
۳. کاهش حضور نظامی کشورهای خارجی در منطقه؛
۴. تقویت رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه براساس ان.پی.تی با هدف دستیابی به منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی؛

### ج) واکنش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

طرح روسیه نسبت به آنچه که در حال حاضر همکاری منطقه‌ای در خلیج فارس را شکل می‌دهد، متفاوت است. مهم‌ترین طرحی که در سال‌های گذشته به شکل‌گیری ساز و کار همکاری در خلیج فارس منتهی شده، «شورای همکاری خلیج فارس» است. این شورا که به دلیل هراس از تسری انقلاب اسلامی در کشورهای جنوبی خلیج فارس شکل گرفت، همواره با چالش‌های متعددی مواجه بوده است. از قطب‌سازی و مقابله با ایران گرفته تا اختلافات دائمی میان اعضا، اختلافات ارضی و مرزی و برتری‌طلبی عربستان بر سایر کشورها به همراه وابستگی اعضای شورا به آمریکا و کشورهای اروپایی، همگی در زمره مواردی محسوب می‌شوند که تنها ترتیبات امنیتی خلیج فارس را ناکارآمد کرده‌اند. در چنین شرایطی، کشورهای منطقه بیش از هر زمان دیگری نیاز به گفت‌وگو دارند و این در حالیست که طرح روسیه، عملاً آغاز پروسه گفت‌وگو و دیالوگ میان همه طرف‌های حاضر در منطقه را پیشنهاد می‌دهد.

با این حال چالش‌های متعددی برای شروع گفت‌وگو میان کشورهای منطقه وجود دارد. به عنوان مثال گفت‌وگوی ایران و عربستان تا حد زیادی به دلیل



مسائل خارج از خلیج فارس صورت نمی‌گیرد. گفت‌وگوی قطر با عربستان و امارات به دلیل مسائل ایدئولوژیک دارای روندی چالشی است. همچنین نگاه برتری طلبانه‌ای که عربستان به کشورهای منطقه از جمله کویت، بحرین، امارات، قطر و عمان دارد، آنها را از برگزاری هرگونه گفت‌وگوی برابر دور می‌کند.

در نتیجه به دلیل وجود چالش‌های درون منطقه‌ای، عملاً طرح روسیه با استقبال گسترده‌ای از سوی همه بازیگران مواجه نشده است. به خصوص که این طرح در نهایت، کاهش وابستگی به حضور نیروهای فرامنطقه‌ای را پیشنهاد می‌دهد و چنین امری برای برخی از کشورهای منطقه دور از ذهن تصور می‌شود. زیرا آنها عملاً امنیت خود را به حضور نیروهای خارجی در منطقه گره زده‌اند. بر این اساس اکثر کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس که از لحاظ امنیتی و نظامی دارای وابستگی‌های زیادی به آمریکا هستند، موضع شفاف و صریحی درباره سند «مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس» اتخاذ نکردند و یا با سکوت از کنار آن گذشتند.

با این حال طرح روسیه از سوی کشورهای هم‌چون ایران و چین با استقبال مواجه شد. به عنوان مثال، چین ضمن استقبال از طرح پیشنهادی روسیه، برای تقویت تماس‌ها و همکاری در خصوص این مسئله با طرف‌های مربوطه ابراز آمادگی کرد. از نظر چین، کشورهای منطقه خلیج فارس به منظور تأمین امنیت باید روابط حسن همجواری بین خود را بر اساس احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر را به پیش ببرند و جامعه بین‌المللی باید برای دستیابی به این هدف، یاری رساند. (РИА Новости, ۲۵.۰۷.۲۰۱۹)

### طرح روسیه و فرصت‌ها و چالش‌های ایران

ارائه هر طرحی از سوی کشورهای مختلف برای ایجاد سازوکار امنیتی در خلیج فارس دارای ارتباط مستقیم با امنیت ملی ایران است. در واقع ایران هم به لحاظ موقعیتی که در منطقه دارد بر طرح‌های امنیتی تأثیرگذار است و هم می‌تواند از



این طرح‌ها تأثیر پذیرد. طرح امنیتی روسیه نیز از چنین تأثیر و تأثیری بر امنیت ملی ایران مستثنی نیست. از این رو به منظور درک بهتر فرصت‌ها و تهدیدهای طرح روسیه برای ایران ضروری است در وهله نخست به بازخوانی موقعیت بی‌بدیل ایران در منطقه خلیج فارس پرداخته شود و در مراحل بعد، نظام امنیتی مطلوب ایران مورد واکاوی قرار گیرد. در چنین شرایطی می‌توان میان طرح روسیه و فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی آن برای ایران ارتباط برقرار کرد.

### الف) موقعیت ایران در خلیج فارس

تاریخ خلیج فارس به طور مستقیم تحت تأثیر قدرت و یا ضعف دولت ایران بوده است. به این معنا که هرگاه دولت مرکزی ایران نیرومند و پرتوان بوده، خلیج فارس را تحت سیطره خویش داشته و هرگاه دولت مرکزی ایران ضعیف و یا پراکنده بوده، چپاولگران و آشوبگران در خلیج فارس شروع به دست‌اندازی نموده‌اند. این امر به دلیل برخورداری ایران از وجوه تمایز و مزیت‌های منحصر به فرد نسبت به سایر کشورهای ساحلی در خلیج فارس است. برخی از مهم‌ترین وجوه تمایز و برتری ایران بر سایر کشورهای ساحلی خلیج فارس عبارتند از:

۱. **دارا بودن بیشترین مرز با آبراهه خلیج فارس:** ایران با داشتن بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل مناسب عملیاتی و بنادر و لنگرگاه‌هایی با توان پذیرش ناوگان بزرگ، وضعی استثنایی دارد؛ چرا که سواحل جنوبی خلیج فارس از این جهت با محدودیت بسیار روبرو هستند.

۲. **برخورداری از منابع غنی انرژی:** کشور ایران از نظر برخورداری از ذخایر نفت و گاز بسیار غنی است و به همین دلیل دسترسی به نفت ایران برای جهان صنعتی دارای اهمیت حیاتی است.

۳. **تسلط طبیعی بر تنگه هرمز و جزایر استراتژیک اطراف آن:** کشف ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیز احتیاج و نیاز ضروری جهان صنعتی به این منابع موجب تردد هر روزه تعداد زیادی شناور



حامل مواد سوختی از خلیج فارس و تنگه هرمز شده است و همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است. به گونه‌ای که طی سال‌های گذشته بخش اعظمی از انرژی منطقه توسط نفت‌کش‌ها از طریق تنگه هرمز به جهان صادر شده است. از این رو تعامل و انطباق موقعیت های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در این منطقه، کشور ایران را به یکی از نواحی پراهمیت جهان بدل کرده است.

۴. موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد (حلقه اتصال شمال به جنوب): کشور ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد و می‌تواند به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های اطراف خود حضور و نقش داشته باشد. در پیدایش تشکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئواکونومیکی و کارکردهای صادراتی انرژی به خارج از منطقه نقش مؤثری داشته باشد و فرآیند اقتصادی و سیاسی این حوزه‌ها را شکل دهد. از این رو به رغم تلاش‌های آمریکا برای کم اهمیت جلوه دادن موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، همچنان این کشور به لحاظ جغرافیای سیاسی حائز اهمیت بسیار است و کشورهای نظیر آسیای مرکزی و قفقاز، همچنان ایران را امن‌ترین، راحت‌ترین و سریع‌ترین مسیر انتقال انرژی و کالا به سایر کشورها می‌دانند.

۵. برخورداری از سطح بالای ثبات، توسعه و پیشرفت: وجود نظام‌های پدر سالار و سنتی در راس هرم قدرت و عدم وجود نظام حزبی، به عنوان وزنه‌ای تعادل بخش میان خواسته‌ها و تقاضاهای عمومی و سیاست‌های اجرایی و نیز وجود قوانین خشک و سیستم متمرکز تصمیم‌گیری، باعث نوعی عقب‌ماندگی سیاسی و به تاخیر افتادن فرایند گسترش جامعه مدنی و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی و اصلاحات سیاسی و اقتصادی گردیده است. در واقع خلیج فارس عمدتاً شامل کشورهایی است که با مسایل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ساختاری روبه‌رو هستند. همسایگان جنوبی ایران در خلیج فارس که



شامل کشورهای عربی هستند، با سطح پایین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، وجود بحران مشروعیت و عدم ثبات سیاسی، مواجه می‌باشند. این در حالی است که ایران در مقایسه با همسایگان خود، از ثبات و سطح بالاتری از توسعه و پیشرفت اقتصادی برخوردار است.

**۶. بهره‌مندی از توان و قدرت نظامی برتر:** جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم تحریم‌های اعمال شده، همچنان روند توسعه و قدرت‌نمایی خود را در ابعاد گوناگون طی می‌کند. این قدرت‌نمایی که در عرصه‌های مختلف صورت گرفته، کشورهای عرب خلیج فارس را به این نتیجه رسانده که نمی‌توانند ایران را نادیده گرفته و بدون ایران به حیات خود ادامه دهند. مانورهای برگزار شده در خلیج فارس توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و دستیابی ایران به تکنولوژی‌های پیشرفته تسلیحاتی، اعراب را به این نتیجه رسانده که آمریکا توان مقابله با ایران را ندارد. در واقع ایران در مانورهایی که برگزار کرده، اعراب را به این نتیجه نهایی رسانده که نمی‌توانند به سخنان ژنرال‌های آمریکایی مبنی بر دفاع از این کشورها در صورت درگیری حساب کنند. این امر پس از سرنگونی پهپاد گلوبال‌هاوک آمریکا توسط ایران بیش از پیش برای کشورهای منطقه مشهود شد. در مجموع ایران می‌تواند با مانور کردن روی ابزارهای مانند نفت، انرژی، تجارت و محروم کردن منطقه از نقش سازنده و مزیت‌های نسبی اقتصادی خود، بازی آمریکا را به هم بزند. ایران حتی می‌تواند به جای اینکه توان خود را صرف صلح‌سازی و امنیت‌سازی در منطقه کند، می‌تواند به عنوان یک بازیگر آشوب‌ساز و اخلال‌گر آمریکا را تهدید کند و بازی هژمون را در منطقه به هم ریزد.

### **(ب) نظام امنیتی مطلوب ایران**

جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دورنمای امنیت خلیج فارس، همواره قائل به تأمین امنیت منطقه توسط کلیه کشورهای منطقه بوده و هرگونه امنیت دسته‌جمعی که تضمین یک قدرت خارج از منطقه را به همراه داشته باشد، رد کرده



است. در این راستا تقویت زمینه های همکاری میان کشورهای حوزه خلیج فارس، به همراه تحولاتی که در عرصه بین‌المللی به وقوع پیوسته است، باید مد نظر قرار گیرند تا نقاط مشترک و سطوح تماس ایران با سایر کشورهای منطقه را افزایش داده و آنها را به سوی حل اختلافات از طرق مسالمت‌آمیز و برقراری ترتیبات امینی منطقه‌ای، سوق دهد. مسلماً در این ترتیبات منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، نقش عمده‌ای در تأمین امنیت خلیج فارس ایفا خواهد کرد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران در پی ایجاد یک نظام امنیتی با اصول زیر می‌باشد:

۱. ایجاد سازمان همکاری و امنیت خلیج فارس شامل شش کشور عضو شورای همکاری به همراه ایران و عراق؛ بر پایه ماده ۸ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل.
۲. تجهیز و تدارک امنیت مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم، جرایم سازمان یافته و قاچاق مواد مخدر به همراه سایر نگرانی‌های امنیتی.
۳. حذف تدریجی محدودیت‌ها در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی.
۴. توسعه روابط تجاری بواسطه اتخاذ نیروهای بالقوه کشورها به منظور سرمایه گذاری مشترک در پروژه های اقتصادی و دستیابی به ساز و کار تجارت آزاد منطقه‌ای.
۵. تضمین امنیت و صادرات انرژی کشورهای منطقه به منظور حفظ منافع آنها و دستیابی به سازوکاری قابل قبول جهت تأمین نیازهای جهانی به انرژی.
۶. اعتماد سازی میان کشورهای منطقه در زمینه هسته‌ای.
۷. تشکیل یک کنسرسیوم مشترک برای غنی‌سازی اورانیوم در میان کشورهای منطقه به منظور تهیه سوخت هسته‌ای و سایر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز اتمی تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
۸. ارتقاء سطح همکاری میان کشورهای منطقه در راستای حرکت به سمت



منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی.

۹. توقف مسابقه تسلیحاتی در منطقه و گام برداشتن به سوی توسعه اقتصادی و مبارزه با فقر.

۱۰. خروج نیروهای نظامی خارجی از منطقه و ایجاد امنیت کامل توسط کشورهای منطقه. (Afrasiab, ۲۰۰۷)

نباید از یاد برد به‌رغم آنکه تمام کشورهای عربی منطقه خلیج فارس در ارتباط با امنیت و حفاظت به شدت به آمریکا وابسته هستند، با این حال احساسات ضد آمریکایی در این کشورها رو به افزایش است و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از همین مسئله برای همگرایی بیشتر با دولت‌ها و ملت‌های منطقه استفاده نماید. بنابراین هرگونه تلاش جمهوری اسلامی ایران در جهت تامین و تثبیت امنیت پایدار در سطح حوزه خلیج فارس، امری است که برپایه شناخت مبانی ژئوپلیتیک و با درکی کامل از روند تحولات ژئوپلیتیکی انجام گرفته و تقویت ژئوپلیتیک ایران را به همراه دارد. اما نقطه مقابل آن یعنی هرگونه توجه به گسترش تهدیدات در حوزه خلیج فارس و تنگه هرمز، عملاً به مفهوم عدم درک مبانی ژئوپلیتیکی ایران و نیز تضعیف موقعیت و ظرفیت های ژئوپلیتیک این کشور از سهم ۵۰ درصدی آن در خلیج فارس است.

از این رو با توجه به قدرت بلامنازع ایران در منطقه، شکل‌گیری هرگونه ترتیبات امنیتی و اقتصادی بدون ایران و یا به عبارتی بهتر بدون در نظر گرفتن نقشی مؤثر برای جمهوری اسلامی ایران محکوم به شکست است. به عبارت دیگر تأمین امنیت منطقه استراتژیک خلیج فارس از هر جهت تنها با مشارکت ایران عملی خواهد بود. در نتیجه می‌توان چنین اذعان نمود که رشد و توسعه روزافزون در توانمندی‌های نظامی - دفاعی جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های این کشور برای تثبیت امنیت مطلوب و بومی در حوزه خلیج فارس، عملاً دربرگیرنده منافع کلیدی کشورهای این حوزه و حتی برای سایر دول ذینفع در آن



بوده و لذا استمرار و پایداری آن نیز مستلزم همراهی و مشارکت آگاهانه و عملیاتی تمامی کشورهای منطقه است. به همین سبب باید کشورهای منطقه به سمت ایجاد ساز و کار منطقه‌ای با حضور تمام کشورهای منطقه و با ساختاری نوین و کارآمد حرکت کنند.

### ج) ایران و طرح امنیتی روسیه

طرح روسیه دارای شباهت‌های زیادی با طرح‌ها و ایده‌هایی است که ایران در گذشته برای ایجاد و حفظ امنیتی در منطقه ارائه کرده و می‌تواند منافع و اهداف تهران را تا حد زیادی محقق کند. در این خصوص توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

نخست آنکه، محور اصلی مباحث مطرح شده توسط ایران در طول سال‌های گذشته، «حفظ امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه بدون دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای» بوده است که می‌توان از آن با عنوان «امنیت درون‌زا» یاد کرد. طرح روسی نیز همانند راهبرد ایران به دنبال تأمین امنیت خلیج فارس به وسیله کشورهای منطقه است. در واقع طرح روس‌ها ناظر بر اولویت‌بخشی به همکاری‌های منطقه‌ای به جای تکیه بر قدرت‌ها یا بازیگران فرامنطقه‌ای است.

دوم آنکه ایران همواره بر شکل‌گیری ترتیبات امنیتی در خلیج فارس با حضور همه بازیگران منطقه‌ای تأکید کرده است. روس‌ها نیز در طرح خود این مسئله را به وضوح مطرح کرده‌اند که امنیت منطقه باید به وسیله کشورهای منطقه تأمین شود و در این پروسه، همه کشورها حضور داشته باشند. در واقع فقدان حضور هر یک از کشورهای منطقه می‌تواند به روند کلی برقراری امنیت در منطقه آسیب برساند.

سوم آنکه با توجه به تجربه شکست خورده شورای همکاری خلیج فارس که بدون ایران شکل گرفته، در طرح روس‌ها شکل‌گیری هرگونه نظام امنیتی در منطقه بدون حضور ایران ناممکن خوانده شده و تمام کشورهای حاشیه جنوبی

به مذاکره و گفت‌وگو با تهران فراخوانده شده‌اند.

از این منظر، طرح روسیه با طرح‌هایی که از سوی آمریکا یا کشورهای اروپایی در سال‌های گذشته ارائه شده، تفاوت‌های قابل‌تاملی دارد. زیرا کشورهای غربی در اکثر طرح‌هایی که ارائه داده‌اند، دو هدف اصلی را پیگیری کرده‌اند: هدف نخست، مهار و در انزوا قرار دادن ایران از طریق همکاری میان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و هدف دوم، افزایش حضور نظامی خود در منطقه بوده است. در واقع آمریکا و کشورهای اروپایی از طرق مختلف به دنبال آن هستند که بتوانند نیروهای نظامی خودشان را در منطقه افزایش دهند و منطقه را نظامی‌تر کنند. آنچه به این هدف کشورهای غربی یاری می‌رساند، ایجاد ترس و هراس از ایران در میان کشورهای عربی منطقه است که آنها را ناگزیر به خرید تسلیحات بیشتر یا در اختیار گذاشتن پایگاه نظامی به آمریکا و کشورهای اروپایی می‌کند.

در چنین شرایطی، بر خلاف طرح‌های غربی که هیچ تأکیدی بر سازوکار منطقه‌ای و ایجاد گفت‌وگو میان کشورهای منطقه ندارند، طرح روسی بر این منطق استوار است که کشورهای منطقه باید گفت‌وگوی فراگیر را میان خود آغاز کنند و به مرور به توافق و تفاهم برسند. همچنین بر خلاف طرح‌هایی که به حضور مستقیم کشورهای غربی در منطقه می‌پردازند، روس‌ها اعتقاد دارند که قدرت‌های بزرگ یا بازیگران خارج از منطقه نباید در منطقه حضور نظامی داشته باشند.

در نتیجه، طرح روسیه به این دلیل که تمام بازیگران منطقه‌ای را دربرمی‌گیرد و هیچ کشوری از جمله ایران را از نظام امنیتی خلیج فارس بیرون نمی‌گذارد، نسبت به طرح‌های غربی که معمولاً بر ائتلاف و همکاری بخشی از کشورهای منطقه علیه بخشی دیگر متمرکز هستند، از جامعیت برخوردار است. از این رو پیگیری طرح روس‌ها با توجه به اینکه بر امنیت درون‌زا در منطقه تأکید می‌کند و آن را بر هر نوع امنیت برون‌زا ارجح می‌داند، با منافع ملی و راهبردهای ایران در





خلیج فارس همخوانی زیادی دارد.

### نتیجه گیری

در خلیج فارس، امنیت و مشروعیت حوزه قدرت به دنیای بیرون از مرزها وابستگی دارد و جابه‌جایی قدرت و تغییر ماهیت و جهت‌گیری‌های سیاسی تا حد زیادی تابع منافع بازیگران بزرگ در سطح بین‌المللی است. عامل بیرونی با استفاده از ضعف داخلی، نقاط اختلاف را تشدید می‌کند و سیاست در خلیج فارس را هم‌سو با منافع بین‌المللی و نه منافع کشورهای منطقه شکل می‌دهد. ناهمگونی ساختارهای سیاسی هشت کشور منطقه به همان اندازه که بر سیاست خارجی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، به همان میزان بر همکاری‌های منطقه‌ای و امنیت خلیج فارس تأثیرگذار است. باید توجه داشت که حضور مستقیم بیگانگان در خلیج فارس، پیامد اوضاع داخلی منطقه است. به عبارت دیگر عامل اصلی ناامنی، بی‌ثباتی و حضور بیگانگان، در مسائل و مشکلات داخلی منطقه نهفته است و برآیند مستقیم عملکرد کشورهای منطقه محسوب می‌شود. نتیجه این سیاست، ایجاد تنش در روابط دولت‌های منطقه با یکدیگر، افزایش جو بی‌اعتمادی و دخالت فراگیر عامل بیگانه است.

احساس ناامنی دو نتیجه بسیار منفی و بلندمدت بر رشد و توسعه سیاسی اقتصادی منطقه می‌گذارد: نخست آنکه مسابقه تسلیحاتی به راه می‌اندازند و دوم آنکه حضور نیروهای بیگانه را برای ایجاد امنیت در منطقه تثبیت می‌کند. از این رو برای از میان بردن معلول، باید علت آن را از میان برد و با اصلاح اوضاع داخلی، نقش عامل بین‌المللی را در این منطقه کاهش داد. این در حالیست که در حال حاضر نظام امنیتی در خلیج فارس به دلیل فقدان منافع ملی هم‌سو در بین کشورهای منطقه و عدم نیازهای متقابل و وجود تلاش کشورهای درون منطقه‌ای و رقابت‌ها و تضادها با مشکل مواجه است. مسلماً حضور نیروهای بیگانه نیز باعث تشدید و استمرار بحران می‌شود. از این رو چنانچه کشورهای خلیج فارس



بخواهند از این وضع نابسامان خلاصی یابند، ابتدا لازم است که تعریف دقیق‌تری از طرح امنیتی برای خود و کل کشورهای خلیج فارس بدست آورند و سپس سیستمی را تاسیس کنند که بدون حضور هیچ یک از قدرت‌های فرامنطقه‌ای و با مشارکت تمام کشورهای ساحلی باشد. مسلماً در سایه یک سیستم امنیتی صحیح و با ایجاد یک محیط سالم و خالی از غرض‌ورزی‌ها و دشمنی‌های گذشته و همچنین با احترام به استقلال و تمامیت ارضی سایر کشورها می‌توان از تدابیر سیاسی جهت حل و فصل اختلافات استفاده نمود. بر این اساس در میان مدت، الگوی همزیستی در چارچوب مدل امنیت دسته‌جمعی از مطلوبیت بیشتری برخوردار است و در درازمدت، همگرایی منطقه‌ای می‌تواند الگوی جامعی برای تامین امنیت و پیشبرد منافع اقتصادی کشورهای منطقه باشد.

در شرایطی که به دلیل بروز نا امنی و تنش در خلیج فارس، آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی تلاش می‌کنند با ارائه طرح‌های مختلف به تقویت حضور نظامی خود در منطقه بپردازند، طرح روسیه که مبتنی بر تأمین امنیت منطقه توسط خود کشورهای منطقه است، می‌تواند پیشنهاد معقول‌تری برای آینده خلیج فارس به شمار آید. به همین دلیل طرح روسیه با استقبال کشورهای مواجه شده که آرامش و ثبات در منطقه را به نا امنی و تنش ترجیح می‌دهند.

در عین حال باید توجه داشت که تحقق طرح روس‌ها با چالش‌های متعددی روبه‌رو است؛ به عنوان نمونه کشورهای منطقه ابتدا باید اختلافات بنیادینی را که با یکدیگر دارند، کنار بگذارند. البته حتی اگر طرح روس‌ها به مرحله اجرا در نیاید، در شرایط فعلی می‌تواند موجب اخلال در اجرای ائتلاف‌های نظامی غربی شود. از این منظر، زمان‌بندی ارائه طرح روسیه در مورد خلیج فارس از اهمیت زیادی برخوردار است. این طرح در شرایطی در فضای عمومی مطرح شد که آمریکا در پی ایجاد یک ائتلاف نظامی برای محافظت از خلیج فارس و تنگه باب‌المندب بود و تنش‌ها میان ایران و غرب بیش از هر زمان دیگری در منطقه

افزایش یافته بود. همچنین در حالی که برخی از کشورهای غربی مدعی ناامنی در تنگه هرمز نقطه شده‌اند و دلیل این ناامنی را ایران می‌دانند، روسیه نه تنها به هیچ وجه با این رویکرد آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی همچون انگلیس موافق نیست، بلکه علت بروز تنش در منطقه را حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و پیامدهای ناشی از سیاست منطقه‌ای آمریکا تلقی می‌کند. در نتیجه طرح روسیه برای ایجاد ساز و کار امنیتی در خلیج فارس، هم بر امنیت درون‌زا در منطقه تأکید دارد و هم با طرح‌های غربی در تضاد است.





## منابع و مأخذ

- Abootalebi. Ali Reza, ۲۰۰۷, Iran and the Future of Persian Gulf Security, All Academic Research (www.allacademic.com), ۱۲ April
- Afrasiab. Kaveh L, ۲۰۰۷, Iran unveils a Persian Gulf security, Asia Times, ۱۴ Apr
- Bahgat. Gawdat, ۲۰۰۸, Security in the Persian Gulf: Perils and Opportunities, Contemporary Security Policy, Volume ۲۹
- Коммерсантъ, ۲۰۱۹, МИД представил концепцию коллективной безопасности в Персидском заливе, ۲۳,۰۷
- Khan. Mohsin S., ۲۰۰۹, The GCC Monetary Union: Choice of Exchange Rate Regime, Washington DC, USA: Peterson Institute for International Economics
- Газета "Коммерсантъ", ۲۰۱۹, Россия ударила концепцией по коалиции, №۱۳۰ от ۲۵,۰۷
- РИА Новости, ۲۳,۰۷,۲۰۱۹, МИД представил концепцию коллективной безопасности в зоне Персидского залива
- РИА Новости, ۲۵,۰۷,۲۰۱۹, Китай поддержал российскую концепцию безопасности в Персидском заливе

